



مبانی قرآنی گفتمان مقاومت

“

”

دو نوع گفتمان در میان کاندیداها وجود دارد:

- گفتمانی که بر رابطه با امریکا و اروپا تاکید دارد و راه رسیدن به پیشرفت بخصوص اقتصادی و برون رفت از مشکلات موجود را همین رابطه با امریکا میدانند همه کاندیداها به غیر از آقای جلیلی به نوعی در این گفتمان قرار دارند. خودشان هم برهم تصریح و یا اشاره دارند.
 - گفتمانی که راه رسیدن به پیشرفت را اتکا به خداوند متعال و توجه به توانایی ها و ظرفیتهای داخلی میدانند و ارتباط با امریکا و اروپا را نه تنها عامل موفقیت نمیدانند بلکه آن را عامل پسرفت و شکست میدانند. این گفتمان آقای جلیلی است.
- بیباید به قرآن رجوع کنیم و با توجه به آیات قرآن ببینیم کدام يك از این دو گفتمان در قرآن تایید شده و کدام رد شده است.

مبانی تبری

چرا از کفار تبری داشته باشیم:

۱. بر اساس قرآن، کافر کالانعام بلکه اضل از انعام، شر الدواب، شر البریه هستند. سوره انفال آیه ۵۵: **إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛** همانا بدترین جنبندگان نزد خدا کسانیند که کفر ورزیدند، پس آنان ایمان نمی آورند // **فِرْقَانِ / ۴۴: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يَعْلَمُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا؛** آیا می پنداری بیشترشان می شنوند یا می فهمند؟ که آنها جز به مانند حیوانات نیستند بلکه روش آنان گمراهانه تر است // **انفال ۵۵: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛** همانا بدترین جنبندگان نزد خدا کسانیند که کفر ورزیدند، پس آنان ایمان نمی آورند
۲. کافر مستکبر است: **ان فی صدورهم الا کبر (هیچ انگیزه ای به جز نخوت درونی ندارند):** (غافر ۵۶)
۳. کافر اعمی و اصم و ابطم و سفیه و مرده و لایفقه و طبع علی قلبه است: **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَصَارَهُمْ (اینان کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و کرو وورشان ساخته است) (۲۳ محمد)**
۴. کافر، ضال است. **ال عمران (۹۰) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ إِذَا دُوا كُفُرًا لَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ**

- وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّالُونَ؛ توبه کسانی که پس از ایمان آوردن کافر شدند و بر کفر خود افزودند، پذیرفته نخواهد شد. اینان گمراهانند. (۹۰)
۵. کافر، غاوی است (صافات ۳۲: فَأَعْوَجْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ؛ ما (ائمه کفر) شما را گمراه کردیم و خود نیز گمراه بودیم.)
۶. کافر، هدایت نمی‌شود؛ (المائدة ۶۷: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. اگر چنین نکنی امر رسالت او را ادا نکرده‌ای. خدا تو را از مردم حفظ می‌کند، که خدا مردم کافر را هدایت نمی‌کند.
۷. کافر، از باطل پیروی می‌کند هود: ۱۶: أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش نصیبی ندارند و هر چه کرده‌اند ناچیز شود و هر چه به جای آورده‌اند باطل است. (۱۶)
۸. کافر، دروغ می‌گوید و راست را هم تحریف می‌کند: يَخْلُقُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَ هُمْ بِمَا لَمْ يُنَالُوا وَ مَا تَعْمَلُوا إِلَّا أَنَاغَاهُمْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا لِيَكْ خَيْرًا لَّهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَّلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (به خدا سوگند می‌خورند که (چیزی) نگفته‌اند و حال آنکه کلمه کفر را بزبان راندند و بعد از اسلامشان کافر شدند، و به امری همت گماردند که بدان نائل نشدند، و این غرور و سرمستی علتی نداشت جز اینکه خدا و رسولش ایشان را از کرم خود توانگر و بی‌نیاز کرده بود، حال اگر توبه کنند برایشان بهتر است، و اگر هم چنان روی بگردانند خدا در دنیا و آخرت عذابشان کند، عذابی دردناک، و در روی زمین دوست و یاری نخواهند داشت) (۷۴ توبه)
۹. کافر نجس و خبیث و رجس است: قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَن تَعْبُدُوا لِمَنْ فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانظُرُوا إِلَىٰ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ (گفت: عذاب و غضب پروردگارتان بر شما وقوع یافت، چرا با من بر سر نام‌هایی که شما و پدرانتان ساخته و روی پلک مشت سنگ و چوب گذاشته‌اید در حالی که خداوند حاجتی در باره آنها نازل نکرده، مجادله می‌کنید؟ منتظر باشید که من نیز با شما انتظار آن عذاب را می‌برم) (۷۱ اعراف)
۱۰. کافر مغضوب علیه است: غیر المغضوب عليهم ولا الضالین (حمد ۷)
۱۱. کافر، ملعون است: إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است) (احزاب ۶۴)
۱۲. کافر، تحت ولایت شیطان است و نباید کسی با او دوست باشد و همکاری کند و تولی داشته باشد و به او اعتماد کند. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ بَيَّسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا بَيَّسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!) (ممتحنه ۱۳)
۱۳. کافر، ذلیل است (إِنَّ الَّذِينَ يُخَادُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند، آنها در زمره ذلیل‌ترین افرادند) (مجادله ۲۰)
۱۴. کافر، رستگار نمی‌شود و از تحت سیطره خدا نمیتواند خارج شوند. وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند - و مسلماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت - حساب او نزد پروردگارش خواهد بود

۱۵. یقیناً کافران رستگار نخواهند شد) (مومنون ۱۱۷)، وَلَا يَخْسِرَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال)، پیش برده‌اند (و از قلمرو کفر ما، بیرون رفته‌اند!) آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد!) (انفال ۵۹)
- کافر، سنگدل است. ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَتَّسِقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْمَاءَ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ حَشَبَةٍ اللَّهُ (سپس دل‌های شما بعد از این واقعه سخت شد همچون سنگ، یا سخت‌تر! چرا که پاره‌ای از سنگها می‌شکافتد، و از آن نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد، و آب از آن تراوش می‌کند و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد (اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می‌تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) (بقره ۷۴)
۱۶. کافر، خیر مومنون را نمی‌خواهد، و اگر خیر بی به مومن برسد او ناراحت می‌شود.
۱۷. کافر، با زبان می‌خواهد ما را راضی نگه‌دارد اما دلش چیز دیگر است.
۱۸. کافر فتنه گراست: (مثال: در این فتنه ۸۸، عمال انگلیس و برخی دیگر از کشورها مستقیماً دخالت داشتند)
۱۹. کافر گمراه کننده است:
۲۰. کافر، یزیدی المومن (مومن را اذیت می‌کند) است: می‌خواهد مومنین را از خانه‌هایشان بیرون کند. کافر، می‌خواهد کاری کند که مومن به کفر برگردد. (و لَا تَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى تَزِدَّوَكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اشْتَأْتُوا) و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند البقرة: (۲۱۷)
۲۱. کافر مفسد است و جحد و ابها و اشیقتفتها انفسهم ظلماً و علواً فانظرو كيف كان عاقبة المفسدين (و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبه‌کاران (و مفسدان) چگونه بود!) (نمل ۱۴)
۲۲. کافر، سد از راه حق می‌کند و می‌خواهد نور خدا را خاموش کند: (يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشتند باشند. الصف: ۸)
۲۳. کافر ظالم و طاغی است (البقرة: ۲۵۴) وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ
۲۴. کافر، خدعه گراست. وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ (و اگر بخوانند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است) (انفال ۶۲)
۲۵. کافر، خائن است: وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (اما اگر بخوانند با تو خیانت کنند، (تا زگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد خداوند دانا و حکیم است!) (انفال ۷۱)
۲۶. کافر، حق را کتمان می‌کند. (آل عمران: ۷۱) يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: ای اهل کتاب چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و حق را کتمان می‌کنید با اینکه شما از هر ملتی دیگر بهتر می‌دانید؟)
۲۷. کافر، به وعده وفا نمی‌کند: (مثال: تاخیر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر) سوره انفال آیه ۵۶: الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْفُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ (۵۶) آنان که تو با ایشان پیمان بستستی آن گاه ایشان در هر بار عهد خود را می‌شکنند، و ایشان نمی‌پرهیزند (۵۶))
۲۸. و نیز ابیاتی که دلالت می‌کند که کافر دشمن خدا و پیامبر خدا و مومنین است و خدا هم دشمن آنهاست. أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يَخَادِدُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيداً فِيهَا (آیا

نمی‌دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است جاودانه در آن می‌ماند؟ (توبه ۶۳)

باید تبری داشت

۱. خوب است که آدم با کفار تبری داشته باشد نه تولی؛ اگر کسی کافر را دوست داشته باشد، روز قیامت دستان خودش را گاز می‌گیرد؛ فرقان: **وَيَوْمَ يَعْصِي الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ بَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً (۲۷) يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلاً (۲۸) لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹)** (روزی که ستمگر دستهای خویش بگزد و گوید: ای کاش طریقه پیغمبر را پیش گرفته بودم (۲۷). وای بر من، کاش فلانی را به دوستی نگرفته بودم (۲۸). او مرا از قرآن گمراه کرد و شیطان مایه خذلان آدمی است (۲۹) // تحذیر از اطاعت کفار: آیاتی که نهی از تولی کافر کرده: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُؤُورًا وَلِعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُوبَهُ مُؤْمِنِينَ** (ای کسانی که ایمان آوردید کفار و اهل کتابی را که دین شما را سخریه گرفته و بازپچه‌اش می‌بندارند دوستان خود مگیرید و از خدا بپرهیزید اگر مردمی با ایمانید) (مانده ۵۷)

۲. آیاتی که: نهی از رکون به کافر (رکون یعنی تمایل کم) را دارد: **(وَلَا تَتَّكِبُوا إِلَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ** (به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل نشوید که جهنمی می‌شوید و غیر خدا دوستانی ندارید و یاری نمی‌شوی) (هود ۱۱۳)

۳. امر به اعراض از کفار: **(وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَّوْا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبْشِرُونَ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا** (می‌گویند: وظیفه ما اطاعت است و باید دعوت به جهاد تو را بپذیریم و لیکن همین که از نزد تو بیرون می‌شوند، شبانه تدبیری می‌اندیشند غیر از آنچه که در پاسخ تو گفته بودند، خدا آنچه را در پنهانی طرح‌ریزی می‌کنند ثبت می‌کند، از آنان روی بگردان و بر خدا توکل کن که تکیه گاه بودن خدا (برای تو) کافی است) (النساء: ۸۱) // **وَإِذَا زَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرَضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْتَدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ** (و هنگامی که دیدی آن کسانی را که از روی سخریه، در آیات قرآن گفتگو کرده بر آن طعنه می‌زنند، پس اعراض کن از آنان تا آنکه به سخنی دیگر بپردازند، و اگر شیطان این معنا را از یادت برد و بعداً به یادت آمد، فوراً برخیز و با قوم ستمگر منشین) (۶۸ انعام)

۴. با کفار به درشتی برخورد کن: **مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَلْبَسُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرْنَجٍ أخرج شطأه فآزره فاستخلف فاشتوى على سوقه يُعجِبُ الزَّالِقَ لِيُغْلِبَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا** (محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی رحمند در بین خود رحیم و دلسوزند، ایشان را می‌بینی که همواره در رکوع و سجودند و در طلب فضل و رضوان خدایند. علامتشان در رخسارشان از اثر سجده نمایان است، این وصف ایشان است در تورات و اما وصف آنان در انجیل این است که چون زراعتی هستند که از شدت برکت پیرامونش جوانه‌هایی می‌زند و آن جوانه‌ها هم کلفت می‌شود و مستقیم بر پای خود می‌ایستند به طوری که بزرگان را به شگفت می‌آورد (مؤمنین نیز این طورند)، این برای آن است که

که خودشان کافر شدند و در نتیجه مثل هم باشید، پس زنهار که از آنان به هیچ وجه دوست مگیرید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند، پس اگر از قبول دعوت خدا اعراض کردند، آنان را هر جا یافتید بگیرد و بکشید، نه از آنان دوست بگیرد و نه یاور (نسا ۸۹) // يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَدُوًّا لَكُمْ فَجَعَلْنَا مُبِينًا لَكُمْ أَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُبْغُونَ إِلَيْكُمْ فَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ إِنْ جَاءَكُمْ مِنْكُمْ فَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ إِنْ جَاءَكُمْ مِنْكُمْ فَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ إِنْ جَاءَكُمْ مِنْكُمْ فَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ

مُبِينًا (شما که مؤمنید به جای مؤمنین کافران را دوست خود مگیرید، مگر می خواهید علیه خود برای خدا دلیلی روشن پدید آرید؟) (نسا ۱۴۴) // يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إخوانكم أولياء إن استخحبوا الكفر على الإيمان و من يتولهم منكم فأولئك هم الظالمون (ای کسانی که ایمان آورده اید، پدران و برادران خود را اگر کفر را بر ایمان ترجیح داده اند اولیاء خود ندانید، کسانی که از شما با ایشان دوستی کنند خود ایشان هم ستمگرانند) (التوبة: ۲۳) // يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ جِهَادًا فَمَا سَبِيلِي وَ إيتبعاء موضاتی شبرون إليهم بالمودة و أنا أعلم بما أخفيتم و ما أعلنتم و من يتبعه منكم فقد ضل سواء السبيل (ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن مرا و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید، آیا مراتب دوستی خود را به ایشان تقدیم می کنید با اینکه به شریعتی که برای شما آمده و حق است کفر می ورزند و نیز رسول و شما را به جرم اینکه به خدا، پروردگارتان ایمان آورده اید بیرون می کنند؟! اگر برای رضای من و جهاد در راه من مهاجرت کرده اید نباید آنان را دوست خود بگیرد و پنهانی با ایشان دوستی کنید چون من بهتر از هر دانایی می دانم چه چیزهایی را پنهان می دارید و چه چیزهایی را اظهار می کنید و هر کس از شما چنین کند راه مستقیم را گم کرد) (الممتحنة: ۱)

۹. هر کس با کفار تولی داشته باشد از آنهاست: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (هان ای کسانی که ایمان آورید، یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید که آنان دوست یکدیگرند و کسی که (از شما) آنان را دوست بدارد خود او نیز از ایشان است، چون خدا مردم ستمکار را به سوی حق هدایت نمی کند) (المائدة: ۵۱)

۱۰. تولی با کفار از راه راست خارج شدن است: فَرِيقًا هَدَى وَ فَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ (گروهی را هدایت کرد و گروهی گمراهی برایشان محقق شد، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا سرپرست گرفتند و می بندارند که هدایت شده اند) (الأعراف: ۳۰) // قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخِذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (بگو پروردگار آسمانها و زمین کیست؟ بگو خدا است، بگو پس چرا غیر او را اولیاء گرفته اید، با اینکه ایشان اختیار سود و زیان خویش را ندارند، بگو آیا کور و بینا یکسان است؟ و آیا ظلمات و نور یکسان است؟ آیا آنها شریکانی برای خدا قرار داده اند (و) همانند خلقت خدا خلقتی کرده اند؟ و خلقتها به نظر ایشان در هم شده است؟ بگو خالق همه چیز خداست، و او یگانه و مقتدر است) (الرعد: ۱۶)

پاسخ به کسانی که تبری را قبول ندارند

این آیات بهانه های منافقین را از دستشان میگیرد. منافقین می گویند: اگر ما رابطه نداشته باشیم قدرت سیاسی و... نخواهیم داشت و در یک کلام، بدبخت میشویم. خداوند در قرآن

جواب این بهانه جویی‌ها را می‌دهد:

۱. خدا هست: اگر توکل داشته باشیم خدا هست و اگر به سمت کفار برویم آنها ما را بی‌نیاز نمی‌کنند. وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَبِيِّهِ وَأَلَمُومِنِينَ (۶۲) (ترجمه از المیزان: و اگر می‌خواهند با تو نیرنگ کنند پس همانا بس است تو را خدا، او کسی است که تو را به نصرت خود و به وسیله مؤمنین تأیید کرد (۶۲/ انفال))
۲. نترسید اقتصاددانان دچار مشکل شود:

المائدة: ۵۲: فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ (مصیبت) فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْضِعُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ // إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

نشانه اینکه بعضی از مدعیان ایمان از سنخ همان کافراند - این است که می‌بینی این بیماردلان به سوری یهود و نصارا می‌شتابند و می‌گویند: ما بیم آن داریم که بلا بر سر ما آید - غافل از اینکه چه بسا خدای تعالی از ناحیه خود فتوحی آورده و امری دیگر که خودش می‌داند پیش بیاورد، آن وقت است که این بیماردلان نسبت به آنچه در دل پنهان می‌داشتند پشیمان شوند (۵۲). مکه کارش فقط با تجارت بود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۸) (ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان نجسند و بعد از امسال دیگر نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر از فقر می‌ترسید زود باشد که خدا اگر بخواهد از کرم خویش شما را توانگر کند که خدا دانا و شایسته‌کار است (۲۸/ توبه) و آن خفتم فسوف یغنیکم الله من فضله: ان هم مکه با ان شرایط نه ایران با تمام نعمتهایش //
۳. کفار ضعیفند: ان ینکم عشرون یغلب مئتين .
۴. عقل آنها هم دست خداست؛ خدا آنها را گمراه میکند: خودشان کاری میکنند که ریشه شان کنده شود: یثبت الله .. و یضل الله الکافرین: به شرطی که اینطرف مصداق ان تنصروا الله باشیم ارزن ما به ایمان به خدا است والا خدای متعال فامیل کسی نیست . ولقد نصر کم الله بیدروانتم اضله . با اینکه چیزی نداشتید خدا شما را نصرت داد.
۵. تمام هنر جنگنده، قدرت روحی است خدا این را از او می‌گیرد: اذ یوحی ... فثبت الذین امنوا سألنی فی قلوب الذین کفروا الرعب .. فاتیهم الله من حیث لم یحتسبوه .. یخربون بیوتهم بایدیهم و بایدی المومنین.
۶. کفار یاور ندارند: چون آنها هم به فکر خودشان هستند انگلیس به فکر امریکا نیست.
۷. خدا مومنین را یاری میدهد: واصبر و ما صبرک ... ان الله : مقاومت کن خدا با توست اگر اعتمادت به خدا باشد میتوانی مقاومت کنی . والله معکم . انا لننصررسلنا و الذین امنوا فی الحیاه الدنیا . هو مولکم فنعم المولی و نعم النصیر .
- آیاتی که دلالت دارد که تبری مقدم بر تولی است: تبری یعنی موانع را از وجود خودمان ریشه کن کنیم از آینه وقتی میوشد استفاده کرد که اول غبارها زدوده شود. قلب از تکیه بر غیر خدا خالی شد از هیچ چیز نمیترسد.
۱. فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله : کفر به طاغوت مقدم شده . . و امرت ان اسلم لرب العالمین . اول نهی از اطاعت کافرین کرده بعد امر به اطاعت پیامبر کرده است .
۲. اشداء علی الکفار رحما بینهم . اول اشداء علی الکفار آمده بعد رحماء بینهم